

آیا مجتبی خامنه‌ای در جانشینی رهبر ایران نقش خواهد داشت

به قلم ویلفرید بوکتا (/fa/experts/wylfryd-bwhta/)

۲۹ آوریل ۲۰۲۱

همچنین دست‌یافتنی به

(English (/policy-analysis/will-khameneis-son-play-role-iranian-succession
العربية (/policy-analysis/hl-syhb-njl-khamnyy-dwraan-fy-alkhlaft-alayranyt/)

درباره نویسنده

ویلفرید بوکتا (/fa/experts/wylfryd-bwhta/)

دکتر ویلفرید بوکتا مشاور روزنامه‌نگار و نویسنده مقیم برلین است



تحلیل کوتاه

شایعات جدید در درون حاکمیت جمهوری اسلامی درباره فعالیت‌های مجتبی خامنه‌ای زاویه دیگری برای نگریستن به تحولات پیچیده‌ای فراهم آورده که روند نهایی جانشینی را پیش خواهد برد

این دیدبان‌سیاست‌گذاری نسخه فشرده و ویرایش‌شده‌ای از مقاله‌ای به زبان آلمانی است که ابتدا در روزنامه زوریخ نو «Neue Zürcher Zeitung» (<https://www.nzz.ch/international/iran-der-sohn-des-revolutionsfuehrers-greift-nach-der-macht-ld.1597853>) در تاریخ ۱۴ فوریه ۲۰۲۱ منتشر شده است

در تاریخ ۱۴ فوریه ۲۰۲۱ منتشر شده است

ثبات حاکمیت‌های استبدادی اساساً بر مبنای دو عامل سنجیده می‌شود: اول سلامتی رهبر و توانایی او در انجام وظایف و دوم این‌که چقدر نخبگان می‌توانند انتقال قدرت به جانشین را طوری آرام پیش ببرند که از ناآرامی‌های مخرب داخلی جلوگیری کنند. این مسئله در مورد جمهوری اسلامی ایران نیز صادق است که پشت‌ظاهر جمهوری آن یک رهبر روحانی سلطنت می‌کند.

رهبر ایران بر اساس نظر مذهبی پیروان او صاحب قدرت مطلقه در حاکمیت ایران است. این رهبر است که از سوی مهدی امام دوازدهم که مسلمانان شیعه در انتظار ظهورش هستند قدرت را در دست دارد. وضعیت سلامتی علی خامنه‌ای ۸۲ ساله رهبر فعلی سال‌هاست که معما است. تاکنون تمامی شایعات درباره مرگ قریب‌الوقوع او اشتباه از آب درآمده است. تنها نکته‌ای که با قاطعیت می‌توان گفت این است که او به کارسینومای پروستات - نوع نسبتاً قابل درمان سرطان پروستات - مبتلا است. شایعات اخیر می‌گویند که او ممکن است به ناراحتی قلبی نیز مبتلا باشد و ریه‌هایش آب آورده باشد.

ادعای رهبری

شمار روزافزونی از گزارش‌های اپوزیسیون در تبعید ایران حاکی از آن است که رهبر جمهوری اسلامی مسئولیت‌های قابل توجهی را به پسرش مجتبی خامنه‌ای تفویض کرده است. بویژه بخش بزرگی از اختیارات خود را در مهمترین مرکز کنترل امور یعنی دفتر رهبری در همین حال در اواسط ماه ژانویه تصاویر و ویدئوهایی در شبکه‌های اجتماعی ایرانی منتشر شد که ظاهراً نشان می‌داد نبرد بر سر جانشینی خامنه‌ای شدت گرفته است. در برخی از تصاویر شمار زیادی از کارگران دیده می‌شوند که در یکی از خیابان‌های مهم تهران راهپیمایی می‌کنند و تیرهای برق چراغ‌های راهنما و جعبه‌های تقسیم برق را با هزاران پوستر تبلیغاتی تزئین می‌کنند. روی پوسترها عکس خامنه‌ای و پسرش دیده می‌شود که در کنارشان به عربی نوشته شده «لبیک یا مجتبی!» - تعبیر مذهبی «لبیک» که برای هر مسلمانی آشنا است از قدرت نمادین بالایی برخوردار است و معمولاً زائران حج هنگام ورود به شهر مقدس مکه به عنوان نشان تعهد

به رهبری و قدرت مطلق الله بر زبان می‌آورند

بر اساس شایعات دیگر اصلاح‌طلبانی که شورای شهر تهران را در دست دارند در مقابل این نمایش به سرعت وارد عمل شدند آنان پس از ماموریت دادن به پلیس برای پاره کردن پوسترها ادعا کردند که شرکت‌کنندگان در راهپیمایی بازداشت و بازجویی شده‌اند

مجتبی خامنه‌ای کیست

حقیقت پنهان ورای این داستان‌ها هر چه باشد سوال جالبی را مطرح می‌کند: صلاحیت‌های واقعی و شانس مجتبی برای جانشینی پدرش چقدر است او متولد ۱۹۶۹ در مشهد و دومین پسر از چهار پسر خامنه‌ای است مجتبی هرگز در هیچ سمت انتخابی کار نکرده و بیشتر وقت خود را در دستگاه‌های مخفی اطلاعاتی و به دور از چشم عموم سپری کرده است از همین روست که داده‌های اندکی درباره زندگی او در دست است

در میان چهار پسر خامنه‌ای مسعود و مصطفی خود را عمدتا وقف مطالعات دینی در قم کرده اند و برخی فعالیت‌های سیاسی جزئی در دفتر پدرشان دارند اما آن طور که برمی‌آید بیشتر فعالیت‌های مجتبی و برادرش میثم پشت پرده‌های معادلات و معاملات سیاسی در جریان است هر دوی آنها از سال ۱۹۸۸ به مدت دو سال در نیروهای مسلح خدمت سربازی گذراندند مجتبی سپس تحصیلات دینی را شروع کرد نخست در تهران و سپس از سال ۱۹۹۹ در حوزه علمیه قم که در آنجا شاگرد محمدتقی مصباح یزدی بود

به این ترتیب مجتبی تحت طلسم یکی از بانفوذترین روحانیون ایران قرار گرفت کسی که به عنوان حامی دینی-ایدئولوژیک تندروهای افراطی و پدر معنوی آنان شهرت پیدا کرده و دیدگاه‌های افراطی‌اش جنجال‌های زیادی را برانگیخته است به عنوان مثال مصباح یزدی قبل از فوت در ژانویه ۲۰۲۱ خواستار لغو نهادهای منتخب جمهوری و انتقال وظایف پارلمانی و ریاست جمهوری به رهبر شد امری که ایران را سرتاپا به یک حکومت تمامیت‌خواه دینی تبدیل می‌کند

با این حال مطالعات دینی مجتبی چندان پیش نرفت تا به امروز هیچیک از آیت‌الله‌های بزرگ قم به او مدرک تدریس علوم دینی یا درجه آیت‌اللهی نداده است اگر این شایعات درست باشد معنایش آن است که تمرکز او بر تشکیل و گسترش دفتر پدرش باعث آن بوده که نتواند زمان بیشتری برای تحصیل داشته باشد

در سال ۱۹۸۹ وقتی که روح‌الله خمینی درگذشت دفتر رهبری حدود ۸۰ کارمند داشت اما تا سال ۲۰۱۹ شمار کارمندان آن به حدود ۴۰۰ نفر افزایش یافت این دفتر اکنون به مرکز یک سیستم بسیار پیچیده متشکل از ۱۰۰ سازمان و موسسه زیرمجموعه آنها تبدیل شده است مدیرانش تنها به مقام رهبری پاسخگو هستند و نه به دولت خامنه‌ای به طور مدام و با شگرد «تفرقه بینداز و حکومت کن» و تلاش در جهت موازنه برقرار کردن میان منافع متضاد (افراد و گروه‌ها) این سیستم را تثبیت می‌کند

در این هزارتو گفته می‌شود که مجتبی دو مرکز قدرت ایجاد کرده است: یک بخش اطلاعاتی و امنیتی که هفده نهاد را دربرمی‌گیرد و دیگری یک شبکه تبلیغاتی که شامل رسانه‌های حکومتی و هیات بانفوذ ائمه جمعه است برخی منابع ادعا می‌کنند که او این مراکز را با سرسپردگانی از یک گروه سنی مشابه پر کرده و به طور سیستماتیک از آنان برای گسترش نفوذ خود استفاده می‌کند

افزون بر این گفته می‌شود که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۵ این مجتبی بود که پدرش را به حمایت از محمود احمدی‌نژاد متقاعد کرد در دور بعدی انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۹ که احمدی‌نژاد با دستکاری نتایج در آن پیروز شد طبق ادعای برخی افراد باز این مجتبی بود که با حمایت فعالانه حسین طائب فرمانده وقت نیروی مقاومت بسیج که بعدا مسئول اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد سرکوب خشن اعتراضات گسترده پس از انتخابات را سازماندهی کرد

برخی گزارش‌ها حاکی است که همکاری نزدیک با احمدی‌نژاد بعدا ثمره مالی‌اش را به مجتبی پس داد بویژه از طریق قاچاق نفت به عنوان مثال یک حساب یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلاری که دولت بریتانیا در سال ۲۰۰۹ به دلیل ارتباط با سرکوب تظاهرات مردم ایران مسدود کرد ممکن است متعلق به مجتبی باشد هرچند این ادعا ثابت نشده است

چشم‌انداز نامزدهای مختلف جانشینی

برخی نام‌ها در بحث جانشینی پس از خامنه‌ای معمولا مطرح می‌شود دو فردی که چند سال پیش نامزدهایی خوش‌اقبال دیده می‌شدند اکنون دیگر بختی ندارند یکی حسن روحانی رئیس‌جمهور فعلی است که فردی میانه‌رو شناخته می‌شود دیگری حسن خمینی نوه رهبر اول انقلاب که همسو با اصلاح‌طلبان است او به عنوان متصدی حرم خمینی در تهران یادآور نوستالژی و دلتنگی علاقه‌مندان پدربرگش است اما پایه قدرت چشمگیری ندارد

در مورد روحانی باید گفت در حالی که او می‌تواند روی وزارت پرنفوذ اطلاعات به عنوان محکم‌ترین پایه قدرت خود حساب کند اما بدون شک به دلیل توافق هسته‌ای بی‌حاصل حمایت بسیاری را در میان مردم از دست داده است. او وعده داده بود که توافق هسته‌ای (برجام) صلح به بار می‌آورد و اقتصاد تحت فشار تحریم‌های آمریکا را شکوفا خواهد کرد اما این وعده تحقق نیافت و حتی جایگاه او را در میان ایرانیانی که به سرعت فقیر می‌شوند تضعیف کرد.

دو کاندیدای دیگر ممکن است اقبال بیشتری داشته باشند. یکی از آنان ابراهیم رئیسی است که در سال ۲۰۱۸ از سوی خامنه‌ای به ریاست قوه قضائیه منصوب شد. رئیسی تندرو محسوب می‌شود و روابط خوبی با سپاه پاسداران دارد. دومی صادق لاریجانی است کسی که قبل از رئیسی به مدت ده سال رئیس قوه قضائیه بود. لاریجانی از سال ۲۰۱۸ ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام را بر عهده داشته است. این مجمع در روند قانونگذاری مشارکت دارد ولی بخش بزرگی از قدرت خود را از دست داده و اکنون به عنوان محلی برای پارک سیاستمداران ارشد و دلزده تبدیل شده است. لاریجانی که از جمله سیاستمداران محافظه‌کار میانه‌رو محسوب می‌شود پایگاه قدرت قابل توجهی در میان آن دسته از روحانیون قم دارد که به حاکمیت وفادارند. او به همراه چهار برادرش دارای یک شرکت عظیم امپراتوری املاک و مستغلات است.

به گفته برخی منابع محاصره این امپراتوری یکی از هدف‌های خوشایند مجتبی خامنه‌ای بوده است. از قرار ادعاها مجتبی با کمک حسین طائب که قبلاً از او یاد شد توانست تحقیقات و پرونده‌هایی را درباره جرائم و فساد اداری مقامات وابسته به لاریجانی جمع‌آوری کند و احتمالاً از این اطلاعات برای برانگیختن رئیسی استفاده کرده تا رشته محاکماتی را به صورت عمومی علیه نزدیکترین یاران لاریجانی در سال گذشته به راه اندازد و به این ترتیب فشار مضاعفی را بر شخص لاریجانی وارد آورد. تنها اعمال نفوذ شخص رهبر بود که این حملات قضایی را متوقف کرد شاید از ترس این که خاندان لاریجانی در صورتی که از هر سو تحت محاصره درآید ممکن است به تهدید تبدیل شود. در هر صورت اعتبار صادق لاریجانی برای جانشینی از آن زمان لکه‌دار شده است.

در خصوص ظرفیت خود مجتبی برای نامزدی رهبری باید گفت خامنه‌ای همواره از معرفی او به چنین عنوانی خودداری کرده و حتی اگر چنین چیزی هدف غایی او باشد می‌داند که اعلام علنی آن ممکن است مشکلات عدیده‌ای به بار آورد. یکی از دلایل خودداری او آن است که مجتبی چنان نامحبوب و جنجال برانگیز است که در نظر گرفتن او برای جانشینی ممکن است موجب بروز جنگ قدرت ناخوشایندی شود. بی‌تجربگی مجتبی در حکمرانی هم به ضرر اوست. مهمتر از همه نام بردن خامنه‌ای از فرزند خود به عنوان جانشین می‌تواند آسیب جبران‌ناپذیری به مشروعیت بیت رهبری بزند و در نتیجه نهاد مرکزی حاکمیت را تضعیف کند و موجودیت کل نظام سیاسی را به خطر اندازد. هر چه نباشد مبارزه برای از بین بردن سلطنت موروثی شاه یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب ۱۹۷۹ به شمار می‌رود که به چشم نومانکلاتورا یا قدرتمداران وفادار به انقلاب و پیروان سرسخت آنها به رژیم تازه متولدشده هویت داده است. اگر جمهوری اسلامی جانشینی وراثتی را مجاز بداند به سلطنت‌های عرب آن‌سوی خلیج فارس شباهت می‌یابد که خمینی و پیروانش سال‌ها سرسختانه آنها را طرد کرده اند.

نگرانی از افزایش سرکوب

هرچند در حال حاضر نه مدرک محکمی هست که صحت شایعات درباره تلاش پسر خامنه‌ای در کسب «تخت و تاج» را ثابت کند و نه شاهی که وخامت روزافزون وضعیت سلامت رهبر را نشان دهد اما احتمال به قدرت رسیدن مجتبی در آینده را نباید کاملاً کنار گذاشت. یک نکته روشن است: اگر مجتبی با تکیه بر اقتدار پدرش برنده مسابقه جانشینی شود و بر کرسی رهبری تکیه زند نشانه خوبی برای ایران نخواهد بود. از آنجا که قدرت او متکی بر سرکوب خواهد بود و نه اصلاحات جانشینی او به معنی آن است که دورانی چه بسا تاریکتر برای معترضان شرکت‌کننده در تظاهرات روزنامه‌نگاران و دگراندیشان در پیش است و او احتمالاً برای گرفتن قدرت از جناح‌های رقیب افراط خواهد کرد. این امر به تنش‌های قابل‌توجهی منجر خواهد شد. بویژه از این جهت که مجتبی به هنگام تصرف قدرت و اعمال آن فاقد مهارت صبر و حس و وقت‌شناسی پدرش است. در واقع اگر گزارش‌ها درباره اقدامات مجتبی خامنه‌ای در گذشته درست باشد به نظر می‌رسد که او به این گفته ماکیاوولی اعتقاد دارد که حفظ قدرت و ثبات وقتی آسانتر است که مردم از حاکمان خود بترسند نه وقتی که به آنان عشق می‌ورزند.

ویلفرید بوکتا روزنامه‌نگار و مشاور سیاسی مستقر در برلین است. او نویسنده پژوهش اثرگذاری است با عنوان: چه کسی حاکم ایران است ساختار قدرت در جمهوری اسلامی (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/who-rules-iran-structure->) و اخیراً وبسایتی دو زبانه (<https://www.wilfried-buchta.com/en>) ناسیس کرده که حاوی تحلیل‌های مفصل درباره ایران و مناسبات خاورمیانه بزرگ به زبان‌های انگلیسی و آلمانی است.



RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

Iran Takes Next Steps on Rocket Technology

١١ جوريه ٢٠٢٢



Farzin Nadimi

[\(/policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology\)](#)



BRIEF ANALYSIS

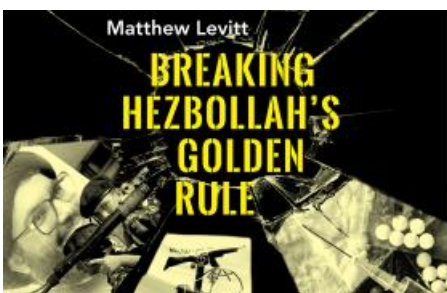
Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism

١١ جوريه ٢٠٢٢



Simon Henderson

[\(/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism\)](#)



ARTICLES & TESTIMONY

Podcast: Breaking Hezbollah's Golden Rule

٩ جوريه ٢٠٢٢



Matthew Levitt

[\(/policy-analysis/podcast-breaking-hezbollahs-golden-rule\)](#)

[\(fa/policy-analysis/dmkrasy-w-aslah/\)](#) دمکراسی و اصلاح

[\(fa/policy-analysis/rb-w-aslam-syasy/\)](#) عرب و اسلام سیاسی

REGIONS & COUNTRIES

[\(fa/policy-analysis/ayran/\)](#) ایران